

به نام خداوند بخشنده مهربان

((اطلاعات نویسنده: امیر محمد اعظمیان - پایه نهم - دبیرستان باقرالعلوم اصفهان))

عنوان اثر: ای کاش

ای کاش می‌شد زمان را متوقف کرد، درست همان لحظه‌ای که صدای زنگ آخر مدرسه در هوا می‌پیچد و لبخندهایمان در حیات می‌رقصند

ای کاش می‌شد در آن لحظه‌ها بمانیم، جایی میان شور دوستی و بی‌خیالی کودکانه؛ جایی که هنوز دل‌هایمان کوچک است و آرزوهایمان بزرگ

ای کاش دفتر مشق‌هایمان به‌جای عدد و فرمول، پر از جمله‌هایی از امید می‌شد

جمله‌هایی که از دل رویاهایمان بیرون می‌آیند، نه از سختی‌های زندگی

ای کاش معلم‌هایمان گاهی ما را نه با نمره، که با لبخند ارزیابی می‌کردند؛

لبخندی که می‌تواند خستگی یک روز طولانی را از دل هر دانش‌آموزی پاک کند

ای کاش مدرسه جایی بود برای پرواز اندیشه‌ها، نه قفس ذهن‌های خسته

ای کاش می‌شد از پنجره کلاس، افق را دید؛ نه فقط دیوارهای بلند

گاهی دلم می‌خواهد در میان کتاب‌ها، صدای بال فرشتگان را بشنوم، وقتی که هرکداممان آرزویی در دل داریم

ای کاش دوستی‌هایمان مثل برگ‌های دفترمان سفید و بی‌غل‌وغش می‌ماند،

و هیچ «نمره‌ای» بین ما فاصله نمی‌انداخت

ای کاش همه‌ی دنیا مثل زنگ تفریح بود؛ کوتاه، اما پر از خنده و نفسِ راحت

ای کاش می‌شد دوباره کودک شد،

بدون دغدغه، بدون ترس از فردا،

و با دلی ساده، زیر درخت حیات مدرسه نشست و به ابرها فکر کرد؛

به ابرهایی که شاید آرزوهایمان را تا آسمان می‌بردند.

...ای کاش

دنیا کمی بیشتر شبیه رویاهای ما بود؛

جایی که مهربانی درس اول، و لبخند، تکلیف هر روزمان باشد.

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی است